آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

«بهای اشتراک»

[illegible]

برای کارگران و کشاورزان و محصلین [illegible]

بهای آگهی‌ها با دفتر اداره است

نشانی اداره: [illegible]

آژیر روزهای یکشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

محکمه خلق

در امامزاده عبدالله

[illegible]

در جلسه محاکمه رسمی [illegible] با گروه‌های سرخ [illegible] کردن افراشته خود با فریادهای [illegible] استهزاء میکنند [illegible] را برخ مردم میکشند.

برخ آنانی که [illegible] میکشند [illegible] در

ایران دوزدان وجود دارد - یکی برای شما - برای شما [illegible] آزادی و ترقی ایران - که شما را [illegible] قبل خانه و [illegible] نیست.»

* * *

[illegible] ایران [illegible] آزادی ایران [illegible]

انجمن پیشوایان

۲۰

صد دولت، مسلم [illegible]

[illegible]

مهمترین اخبار

پیروزی بزرگ ارتش سرخ

[illegible]

جبهه شوروی

[illegible]

[illegible] جنگی دشمن را سرنگون ساخته و بیش از ۶۰ هواپیمای آلمانی در زمین نابود گردید.

* * *

[illegible] خبرگزاری انگلیسی اطلاع میدهد [illegible] خبرگزاری آلمان اعلام [illegible] نبرد در [illegible] آغاز گردیده [illegible] ادامه دارد.

از طرف دیگر نبرد بین [illegible] ادامه دارد.

نبرد های سخت برای کاسینو

لندن - خبرگزاری انگلیسی اطلاع میدهد نیروی توپخانه و تانک های متفقین [illegible] مشغول حمله به آلمان

تفسیر اخبار داخله

سررشته را گم کرده‌اند

[illegible]

در [illegible] شهر آلمان [illegible] تهدید میگردد [illegible] متفقین [illegible] پیشرفت نموده و دشمن را [illegible] مواضع [illegible]

گویند [illegible] که نبرد های بسیار سخت [illegible] متفقین [illegible] اطلاع میدهند [illegible] بسیار شدیدی در طول جاده [illegible] ارابه های جنگی [illegible] نیروی [illegible] در گرفته است.

[illegible] آلمان ها [illegible] ارتش پنجم در [illegible] دفع گردیده است.

شورش در مراکش فرانسه

لندن - خبرگزاری انگلیسی اطلاع میدهد [illegible] از منابع مهم خبر رسیده است که در مراکش فرانسه زد و خورد هائی بین

[illegible] از دوستان [illegible]

چند چرخ دوار

[illegible]

[illegible] زمامداران [illegible] داده است برای بدست آوردن [illegible] این خبر از الجزایر [illegible] شده است.

* * *

الجزیره - خبرگزاری انگلیسی خبر میدهد [illegible] نیروی آلمان در جنوب [illegible] است و حال آنکه [illegible] از آنکه در عرصه جبهه اساسی ایتالیا شکست خورده خود را برای عملیات آینده آماده میکند [illegible] دیگری که [illegible] جنوب خاوری [illegible] امروز زیادتر شده است زیرا نیروی

از شهباز

پامالی تبریز

[illegible]

[illegible] گفته و موفقیت آقای [illegible] پیشه‌وری را در ادامه خدمات [illegible] از خداوند خواهانیم.

هیئت تحریریه روزنامه شهباز

www.iran-archive.com

مهمترین خبرهای خارجی

در جبهه شوروی صد هزار آلمانی محاصره شدند

لندن ـ خبرگزاری [illegible] انگلیس در حالی حمله [illegible] آرتش هتلر برای محاصره نیروهای ژنرال کونف تعیین گردیده با حمله شوروی مواجه شده [illegible] دشمن در شمال [illegible] محاصره میباشد [illegible] شکاف اوکراین میباشد . در [illegible] فاصله دو آرتش شوروی [illegible] مانورهای برای فتح [illegible] مناطق [illegible] دشمن [illegible] خبرگزاری انگلیس در مسکو [illegible] گرفتن منطقه محاصره آرتش [illegible] آرتشهای [illegible] واحد محاصره [illegible] مجسم میشود .

ازطرف دیگر دست کم ۱۰۰ هزار [illegible] آلمانی درداخل حلقه محاصره گرفتار [illegible] و با نیروی [illegible] میگرفته [illegible] اولین محاصره [illegible] که [illegible] آن [illegible] نیروهای شوروی [illegible] آورده اند . [illegible] که کثیر احتمال میرود که [illegible] محاصره دشمن [illegible] واحد های [illegible] بسیار [illegible] آرتش [illegible] استالینگراد میباشد .

[illegible] در مسکو [illegible] ژنرال کونیف که ده لشکر آلمانی را محاصره نموده [illegible] یکی از [illegible] ها را [illegible] میکند که دیگر [illegible] در گرانه‌های رود [illegible]

نابودی لشکر های محصور [illegible] تعداد آنها از ۱۰۰ هزار [illegible] و [illegible] شوروی و اشغال خطوط مهم [illegible] یکی از عملیات بسیار [illegible] ملاحظه جنگ [illegible] بشمار میرود

روابط شوروی و یوگوسلاوی

مسکو ـ خبرگزاری انگلیس [illegible] رادیو مسکو دیروز [illegible] انقلاب [illegible] روابط دولت [illegible] شوروی [illegible]

در اواسط [illegible] دولت [illegible] شوروی [illegible] یک عهدنامه دوستی و [illegible] امضا نمود .

[illegible]

نیروی هوائی در جبهه شوروی

[illegible]

آگهی مناقصه شماره ۴۹

اداره [illegible] وزارت پست و تلگراف و تلفن هزار عدد [illegible] مناقصه خریداری مینماید .

داوطلبان [illegible] اداره مراجعه و پس از رویت [illegible] بانک [illegible] سپرده [illegible] اداره کارپردازی [illegible]

[illegible] ۱۳۲۲ [illegible] قبول و در روز [illegible] خواهد شد .

[illegible] مناقصه آزاد و اداره در رد و یا قبول [illegible]

رئیس اداره کارپردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن

آگهی حصر وراثت

[illegible] طهرانی بوکالت [illegible] شماره ۲۲۵۹۶ [illegible] درخواست داده که [illegible] ۱۳۲۲ [illegible] طهران [illegible] اولاد [illegible] گواهی [illegible] رسمی [illegible] آگهی [illegible] اعتراض [illegible] دارد [illegible] والا [illegible] وصیتنامه رسمی [illegible]

[illegible] ۱۳۲۲ دادرس [illegible] بخش تهران ـ حسن اصلانی

[illegible] آمریکا خواهد بود .

***

گوینده رادیوی آمریکا دوشنبه [illegible] گفت که کشتی های [illegible] حمله [illegible] ژاپن [illegible]

***

باعلامیه وزارت دریاداری [illegible] که ۳ کشتی جنگی امریکا [illegible] ماه ژانویه ۳ [illegible] آلمانی را که [illegible] از خط محاصره در جنوب آتلانتیک عبور کنند [illegible] . این کشتی های آلمانی از بنادر اشغال شده [illegible] ها در خاور دور [illegible] و حامل [illegible] تن کائوچو و روغن و قلع و مواد جنگی بوده‌اند .

این سه کشتی در عرض چهار ساعت نابود گردیدند .

اعلامیه تکمیلی شوروی که [illegible] جبهه [illegible] منتشر شد با اشاره بعملیات در [illegible] میکوبد نیروای روسی [illegible] اتباع جمهوری شوروی استونی [illegible] آلمان [illegible] سمت [illegible] آزاد نمودند .

[illegible]

***

[illegible]

***

[illegible]

جمه کریم کشاورز ـ۴۰ـ نگارش جی بی پریستلی

تاریکی گرتلی

در این اطاق [illegible] و مسکن [illegible] کسی فکر کند که در این محل [illegible] منزل دارد . این [illegible] دیگری برداشت و درایت اولین [illegible] ساعت دو و ربع صدای زنگ از پائین آمد و بعد صدای شخص [illegible] .. وارد خانه شد . من بواشکی بیرون نگاه کرده و [illegible] بعد اورا شناختم .

همان بود که امروز از کارخانه [illegible] از پلکان بالا میآمد [illegible] اینجا [illegible] مرا خواهد [illegible] اوضاع [illegible]

[illegible] بکوبم ببینم ودر گرتلی چه [illegible]

بدیهی است که دیر [illegible] در [illegible] ملل متمدن و امر دفاع ملی [illegible] خواهد بود .

پنجره را باز کرده و [illegible] آنرا [illegible] و خودرا آویزان کرده و بعد دست را ول کردم .

اگر پائین [illegible] بروی توده برفی افتاده از شکسته شدن دست و پا نجات یافتم .

پس از آنکه بزمین رسیدم [illegible] صدای دیگری هم [illegible] من هرچه زودتر ازجای برخاسته [illegible] و وارد کوچه [illegible] آمد [illegible] شنیدم [illegible] خواهم افتاد .

پائین [illegible] اولین در باری را که دیدم داخل شده و از روی [illegible] خانه را باز دیده و وارد [illegible] مطبخ است و نمیدانستم در کوچه چه خبر است ـ فقط میدانستم که [illegible] خطرناک است و بهتر است همین جا انتظار بکشم [illegible] بود که با در این منزل ناشناس صبر کنم و با طوری که کسی ملتفت نشود از جلو خارج شوم .

در اینجا ناگهان ملتفت شدم که پالتو و کلاهم در اطاق اولین مانده است

[illegible] مثل [illegible] که [illegible] شده [illegible] .

[illegible] شده [illegible] .

[illegible] گرتلی [illegible]

اوگفت که [illegible] در گرتلی خواهند ماند [illegible] گربه [illegible] و چنین گفت :

[illegible] اطاق [illegible] است [illegible]

من [illegible] اینکه کسی مرا [illegible] برگشتم ، از اینکه بااولین ملاقات [illegible] ناراضی بودم ، ولی وقت خودرا تلف نکرده بودم .

[illegible] که چند ساعتی را وقت [illegible]

[illegible] از [illegible] که [illegible]

چرا [illegible]

من گوئی چشمان درخشان [illegible] اورا در مقابل خود میبینم [illegible] دفعه [illegible] در اطاق خود [illegible] فکر میکردم که بیش از حد لزوم [illegible]

[illegible] ملاقات کرده [illegible] .

* * *

روز جمعه آغاز شد ، بامداد مرطوبی بود و برف تری میبارید [illegible] روزنامه‌ها از خبرهای [illegible] سخن میگفت و مثل ماشه‌ٔ سیاه که از مرگ [illegible] وقتی خواستم از مهمانخانه خارج شوم [illegible] اطلاع داد که [illegible] اطاق من برای [illegible] لازم است .

من پاسخ گفتم که گرچه هنوز اطاقی پیدا نکرده ام ولی [illegible] مهمانخانه [illegible] که در شهرها است [illegible] مهمانهای دائمی [illegible] هدایت کرد . من برای [illegible] این امر [illegible] و چیزی [illegible] که این آقا نمیفهمد جنگ از ما چه چیز میطلبد .

[illegible] که امور [illegible] میکردند که مردم [illegible]

[illegible] که [illegible] دست از سرمان بر [illegible] سال ۱۹۰۴ است و [illegible] و امور جریان [illegible]

این آقایان [illegible] زندگی امروزه [illegible] حاضر میشوند مثل آدم [illegible] .

باری درصبح آنروز اوقاتم [illegible] بود . نزدیک ساعت [illegible] خانه تلفون [illegible] کرده و اولین را خواستم و گفتم که دوست [illegible] است با او صحبت کنم . من [illegible] آنجا تلفون کنم ولی [illegible] از اینکه [illegible] کارخانه [illegible] منتظر شدم و بالاخره جواب دادند که اولین در کارخانه نیست و [illegible] روز پیش مریض شده است . چنین نتیجه گرفتم که اولین را در خانه اش خواهم یافت و نخواستم وقت گرانبها را تلف کنم .